

مروری بر کتاب «مبانی عرفان و حیانی»

(اثر حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد رودگر)*

بیان و تبیین مبانی عرفان و حیانی یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر عصر کنونی و نیازهای دوران ماست. عرفان اسلامی در سیر تطور و تکامل خود، ظرفیتی یافت و از انتزاعی بودن محض به انضمامی شدن تبدیل شد و در تولید علوم انسانی — اسلامی و گفتمان‌های مورد نیاز امروز جامعه اسلامی و حکومت ولایی نقش‌آفرین گردید؛ به همین دلیل به پالایش و پیرایش محتاج است.

از آنجا که عرفان و حیانی به معنای عرفان برساخته و برخاسته از متن کتاب و سنت، از چنین ظرفیت بالایی در مقام ثبوت برخوردار است، می‌باید در مقام اثبات نیز این ظرفیت بالقوه و بالفعل، عیان و بیان گردد. کشف و تولید عرفان و حیانی مترتب بر مبانی خاص خود بوده و تا زمانی که استخراج و تبیین نشود، نمی‌توان منطق کشف آن را مطرح کرد و برابند و برون‌دادهای واقعی عرفان و حیانی را در دوره جدید، به‌خصوص تمدن‌سازی نوین اسلامی نشان داد. بنابراین ضرورت تحقیق و تحقق مبانی عرفان

* دانشیار گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

وحيانی، البته با بهره‌گیری از ميراث عظيم عرفان موجود در مقام تحليل و تحليل، توصيف و تبیین، تحکيم و تثبیت معارف عرفانی وحيانی، امری روشن و واضح خواهد بود (نقل به مضمون از: رودگر، ۱۳۹۷، ص ۱۳).

هرچند با وجود ضرورت پيش‌گفته آثار پژوهشی انگشت‌شماری در این باب نگاشته شده و مسئله مزبور نیازمند به‌روزرسانی و عرضه کاوش‌هایی عمیق‌تر و کاربردی‌تر است، کتاب **مبانی عرفانی وحيانی** نوشته محمدجواد رودگر، چاپ سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی یکی از تازه‌ترین آثار در این زمینه است که با لحاظ رویکردی تحقیقی، بررسی علمی و مستند، این موضوع را دستمایه کار خود قرار داده است.

پژوهش‌بنیان بودن اثر و تکیه بر روش تحقیقی، ضمن ارتقای جنبه روایی بر میزان کاربردی بودن آن نیز می‌افزاید. به‌واقع کمترین تأثیر و کارکرد تولید آثاری از این دست، گشایش افق‌های تازه پيش روی علاقه‌مندان و محققان این عرصه برای انجام تحقیقات عمیق‌تر و جامع‌تر است؛ در عین حال مأخذ و مرجعی برای تحقیقات آینده است و بر غنای محتوایی در این زمینه می‌افزاید. افزون بر این ویژگی‌ها باور عقلی و قلبی مؤلف به موضوع عرفان وحيانی و نیز انگیزه وی برای پیرایش عرفان موجود در شعاع عرفان اسلامی، وحيانی و اهل بیته و نیز پاسخ به مسئله‌ها و شبهات موجود، به اثر، روح تازه‌ای دمیده است. نویسنده خود، درباره انگیزه نگارش این اثر می‌نویسد:

یکی از چالش‌های تاریخی — معرفتی در مقوله عرفان اسلامی، نسبت عرفان با اسلام است که دیدگاه‌ها و آرای درباره آن وجود دارد و در عین حال ریشه تضادهای معرفتی و نظری و ماجراهای تاریخی در میان عالمان مسلمان و عرفان‌پژوهان شرقی و غربی



است. پاسخ درست و دقیق به پرسش‌ها و شبهاتی که در این چالش‌ها وجود دارد، متفرع بر روشن‌سازی معنا و مبنای عرفان و حیانی و تحلیل و تعلیل ظرفیت منابع و حیانی عرفان اسلامی و بیان و تبیین مبانی آن است (همان، ص ۱۵).

مؤلف با این احساس نیاز، بررسی عرفان و حیانی را محور پژوهش قرار داده است؛ عرفانی که درحقیقت با کشف تام محمدی ﷺ متصل است و از آن منبع غنی ارتزاق می‌کند که «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء: ۹). عرفانی که دارای جامعیت علمی و کمال معرفتی برای تأمین، تعین و تبیین صراط سلوک مستقیم است تا سالک الی‌الله را با همه ساحات وجودی‌اش به کمال رساند (نقل به مضمون: همان، ص ۱۴). نویسنده در ادامه برای چنین عرفانی، سه منبع ذکر می‌کند: قرآن کریم (قرآن صامت)، سنت (قرآن ناطق) و ادعیه و نیایش‌های مأثور (قرآن صاعد). وی معتقد است: «بایسته است مبانی عرفان و حیانی کشف و تبیین شده و با تکیه بر آنها، معرفت عرفانی از منابع و حیانی، اصطیاد و استنباط گردد (همان) که می‌توان گفت اساس اثر مذکور نیز بر مدار آن قرار گرفته است. درواقع مسئله اصلی شکل‌دهنده بنیاد این تحقیق، فهم و استنباط مبانی عرفان و حیانی است که هندسه و نقشه راه را تشکیل می‌دهد. چپستی عرفان و حیانی، ضرورت کشف و تولید عرفان و حیانی، شاخص‌ها، اقسام و مبانی معرفت‌شناختی عرفان نظری و حیانی، گستره معنایی قرآن و سنت در کشف و تولید عرفان و حیانی و... از جمله مباحث فرعی برآمده از موضوع اصلی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

نویسنده مهم‌ترین اهداف تولید عرفان و حیانی را نیز در دو بعد علمی و عینی به شرح ذیل بیان می‌دارد:



الف) اکتشاف عرفان و حیانی برای «تحقق حیات طیبه عرفانی — معنوی بر محور معارف و حیانی»؛ «تأمین یکی از منابع مهم تمدن نوین اسلامی»؛ «ارائه علمی مبنایی از الگوی پیشرفت اسلامی — ایرانی» و «تعیین و تبیین مدلی عرفانی برای تهیه و تدوین سبک زندگی اسلامی».

ب) تحقق قدرت نرم و فزاینده معرفتی — معنوی امت واحده اسلامی و قدرت بازدارندگی جامعه اسلامی در برابر تهاجم علمی، ناتوی فرهنگی و جنگ نرم غرب علیه کیان معرفت ناب اسلامی از طریق عرفان‌های بدلی و معنویت‌های کاذب (همان، ص ۱۷-۱۸).

ساختار اثر

همان گونه که اشاره شد، کتاب درحقیقت محصول یک پژوهش علمی است و در همان قالب و ساختار مرسوم مقالات علمی — پژوهشی عرضه شده است. بدین ترتیب اثر مزبور درسه فصل و هفت گفتار تنظیم شده است.

فصل نخست با عنوان «درآمدی بر عرفان و حیانی — که تمهیداتی برای فصول دیگر است — متشکل از سه گفتار است: گفتار اول، شناخت مفاهیمی چون مبانی، عرفان و عارف در آموزه‌های و حیانی؛ گفتار دوم، توافق و تفارق عرفان و حیانی با عرفان مصطلح و موجود؛ گفتار سوم، اقسام عرفان و امکان و ظرفیت کشف و تولید عرفان و حیانی و دیدگاه برخی عالمان دینی.

فصل دوم کتاب «مبانی تصدیقی عرفان و حیانی» است که ذیل دو گفتار «مبانی هستی‌شناختی عرفان و حیانی» و «مبانی انسان‌شناختی عرفان و حیانی» به توضیح و



تبیین مبانی تصدیقی می‌پردازد. در این گفتار مقولاتی چون مبانی هستی‌شناختی عرفان و حیانی، مشتمل بر بحث از تمایز احاطی خدا و خلق و بینونت وصفی آنها، معیت قیومی و تجلیات الهی و سپس توحید صمدی قرآنی مورد اشاره قرار گرفته است. در گفتار مربوط به انسان‌شناسی عرفان و حیانی نیز مسائلی چون منزلت، نشان‌ها و نشانی‌ها و شئون وجودی انسان کامل به مباحثه و تحلیل گذاشته شده است.

فصل سوم با عنوان «مبانی تحصلی عرفان و حیانی» نیز مشتمل بر دو گفتار است که در گفتار اول با عنوان «مبانی معرفت‌شناختی» مباحثی نظیر کشف و شهود از حیث لغوی و اصطلاحی در قرآن و زمینه‌ها، راه‌ها و ماهیت تشکیکی کشف و شهود بر اساس معارف و حیانی، توصیف و تحلیل شده که با ارائه نمونه‌هایی همراه است. در گفتار دوم نیز مبانی معنا — زبان‌شناختی عرفان و حیانی در قالب مباحثی مانند زبان کتاب و سنت، زبان ترکیبی و انواع گزاره‌های قرآنی، مورد پژوهش و پردازش واقع شده است. پایان بخش این اثر تحقیقی، جمع‌بندی فصول سه‌گانه است که به عرضه نتیجه و عصاره پژوهش می‌پردازد.

یکی از ویژگی‌های اثر مزبور ارائه جمع‌بندی در انتهای هر فصل است که ضمن عرضه خلاصه‌ای از کل محتوای فصل به بیان اهداف، روش کار و دستاوردها می‌پردازد. این بخش می‌تواند در فرایند تسریع انتقال و بهره‌برداری از داده‌ها در صورت لزوم مؤثر واقع گردد. در عین حال مروری است بر مضامین پیشین و مقدمه‌ای برای ورود به مباحث پسین.

ادبیات

با وجود حاکمیت ساختار و قالب مقالات پژوهشی و ادبیات رسمی و نسبتاً خشک متون علمی بر کتاب، لطافت ذاتی موضوع اصلی تحقیق یعنی «عرفان و حیانی» تا حدّ زیادی از این عارضه کاسته است. ضمن اینکه از تکیه اصلی پژوهش بر قرآن و سنت و استناد به کلام وحی و سخنان معصومان علیهم‌السلام در جای جای کتاب، همچنین ترکیب با شیوه علمی — پژوهشی، نتیجه‌ای نسبتاً متعادل به دست آمده است؛ به گونه‌ای که با اشاره به مضامین باریک و لطیف عرفانی، عملاً از فضای خشک این قبیل متون فاصله گرفته است. به این مسئله — بحق — به عنوان یکی از «نوآوری‌ها و مزایای تحقیق» اشاره شده است...: «در عرفان و حیانی اگرچه منبع کشف و تولید، کتاب و سنت است، در مقام بیان و تبیین گزاره‌های عرفانی، از معارف گران‌سنگ عارفان سترگ و عالمان اهل معنا و معرفت بهره برده‌ایم... از مزایای تحقیق حاضر این است که زبان تأویلی — اشارتی متناظر با زبان تنزیلی — عبارتی عرفان و حیانی بیان و تبیین شده است تا برخورداری عرفان و حیانی در ساحت زبان‌شناسی، از امتیاز نزاهت از گزاره‌گویی و شرک و شبهه آلودگی نیز توصیف و تبیین شده باشد (همان، ص ۲۴ - ۲۳).

گلچینی از فصول

هر فصل از کتاب **مبانی عرفان و حیانی** مشتمل بر نکاتی تازه و بدیع بوده که در روندی تدریجی — مطابق هندسه تحقیق — تکه‌های این جدول را تکمیل می‌کند تا در پایان به نتیجه نهایی (یعنی پاسخ پرسش اصلی) مبانی عرفان و حیانی دست یابد. به منظور آشنایی بیشتر با مباحث کتاب، در ادامه به اصلی‌ترین نکات هر فصل اشاره

می‌شود.

• در فصل نخست برخی مزایای عرفان و حیانی نسبت به عرفان موجود بررسی شده که عبارت‌اند از: ۱. از حیث روش‌شناختی این نکته قابل‌عنایت است که عرفان و حیانی در روش تولید از منبع و حیانی — نه تأیید از آن — تغذیه شده، در حالی که عرفان موجود اگرچه دارای بن‌مایه‌های اسلامی و سرچشمه‌های و حیانی است، با روش شهودی عارف و استشهاد به وحی شکل می‌گیرد نه اکتشاف از وحی. ۲. در عرفان و حیانی از حیث چیستی عرفان و کیستی عارف، نقطه عزیمت و محوری، آیات، احادیث و ادعیه‌اند؛ در حالی که نقطه عزیمت برای تعریف عرفان و عارف در عرفان موجود، سلوک و شهود خود عارفان است (همان، ص ۹۶).

• در فصل دوم دو امتیاز برای توصیف و تفسیر توحید عرفانی بدین شرح برشمرده شده است: نخست توصیف مستقیم وحی قرآنی و بیانی و تفسیر متکی بدان‌ها از عارفان اسلامی و بهره‌گیری از زبان بانزاهت و نزاکت قرآنی — حدیثی. دوم انسان کامل عرفان و حیانی، همان انبیای عظام الهی به‌خصوص پیامبر اعظم ﷺ و اهل بیت ﷺ هستند که در عرفان تشیع، باهر و بارز است؛ در حالی که در عرفان موجود به‌ویژه عرفان و تصوف اهل تسنن، انسان کامل شامل قطب، مرشد و خضر طریق نیز خواهد شد و جامعیت معنایی که در عرفان و حیانی و اهل بیته از انسان کامل مقصود است، در عرفان و تصوف مصطلح منظور نیست (همان، ص ۲۴۸).

• در فصل سوم بر اساس منابع و حیانی بر امکان کشف و شهود و انحصاری نبودن مراتبی از مکاشفات و مشاهدات عرفانی برای همه انسان‌ها تأکید و شواهدی انکارناپذیر برای آن از قرآن و سنت ارائه شده است. از دیگر نکات این فصل، معرفی





بهترین الگوی منبع‌شناختی عرفان علمی و عملی یعنی حدیث و دعا ذیل بررسی گزاره های اخباری، انشایی و تمثیلی است. در این فصل اشاره شده است که امتیاز عرفان و حیانی بر عرفان موجود این است که اولاً اعتبارسنجی معرفت عرفانی و مراتب و حجیت معرفت شهودی، با استناد به وحی قرآنی و بیانی است نه استشهاد به آن؛ یعنی نگاه پیشینی به کشف و شهود عرفانی. این نگاه در عرفان موجود پسینی است؛ یعنی پس از آنکه کشف و شهود عرفانی واقع شد، سراغ تأیید از کتاب و سنت رفته‌اند. ثانیاً در عرفان و حیانی، زبان اشارت دارای ارزش است نه بیان و عبارت و زبان ترکیبی ظاهری - باطنی و تنزیلی - تأویلی به صورت دیالکتیکی و متناظر با هم کاربرد دارد تا از هر گونه خبط و خطای زبان‌شناختی و آسیب معرفتی و سلوکی مبرا شود (همان، ص ۳۴۴).

• در مجموع می‌توان گفت یکی از محوری‌ترین نکات کتاب، اشاره به ویژگی‌های انسان کامل از منظر عرفان و حیانی است «در عرفان و حیانی، انسان کامل، محور عالم وجود و قطب هستی و واسطه فیض الهی در نظام تکوین و تشریح است. بنابراین هر گونه تکامل و تعالی علمی و عملی انسان متکامل یا در حال استکمال وجودی، در ارتباط معنادار با انسان کامل مکمل است که مظهر اسمای حسنای الهی و از جمله رحمانیت و رحیمیت خدای سبحان‌اند. در مدل عرفان و حیانی، انسان کامل مکمل، مرکز هدایت و هدیت حق سبحانه وسیله رشد و تکامل انسان متکامل خواهد بود» (همان، ص ۳۴۸).

در پایان جا دارد به نگاه متفاوت نویسنده به مسئله «انسان کامل» و نقش معنوی وی در هدایت طالبان سلوک نیز اشاره کنیم که نمود آن را باید در شخصیت پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ یافت. «انسان کامل که در زبان عرفان به گون جامع موسوم و موصوف است، در



قوس نزول و صعود دارای اصالت است و انسان متکامل که از نظر انسانیت، حیوان بالفعل و انسان بالقوه است، تنها در پرتو تعلیم و تربیت انسان کامل مکمل که انسان بالفعل می‌باشد، توانایی رشد و پیشرفت حقیقی دارد... این حقیقت به واقعیت تبدیل نخواهد شد، مگر اینکه معرفت و محبت به انسان کامل و اطاعت و تبعیت از آنان منشأ سنخیت وجودی با آن شخصیت‌های کامل گردد. ناگفته نماند که مصداق انسان کامل قرآنی همانا پیامبر اعظم ﷺ و عترت پاکش یعنی فاطمه زهرا^{علیها السلام} و امامان نور و هدایت هستند که از ولایت اطلاق و کلی برخوردارند» (همان، ص ۳۴۹).

این نگاه نقش مؤثری در شناخت ویژگی‌ها و شاخصه‌های الگوهای عرفانی و معلمان راستین سلوک و مصونیت از انحرافات و آلودگی‌های موجود در این عرصه دارد. دیدگاه مورد اشاره در کنار اتکای محتوای اصلی بر منابع غنی اسلام یعنی قرآن و سنت به مثابه افق تازه‌ای در استخراج و عرضه عرفان ناب و راستین از ذخایر معنوی دین است.

می‌توان گفت کتاب **مبانی عرفان و حیانی** دربردارنده نتایج تازه از مطالعه درباره مسئله عرفان برآمده از سرچشمه وحی الهی است که از رهگذر اتخاذ روش شناختی بدیع تحقیقی عرضه می‌گردد. به عبارت دقیق‌تر منطق حاکم بر کتاب **مبانی عرفان و حیانی** منطق اکتشاف و تولید از منابع و حیانی است نه منطق استشهاد و تطبیق با منابع و حیانی؛ به این معنا که عرفان و حیانی از طریق مراجعه به نصوص دینی یا کتاب و سنت، با روش اجتهادی — تبیینی، کشف و تولید شده و در توصیف و تبیین گزاره‌ها و آموزه‌های عرفانی از رهاورد و برون‌دادهای عارفان به‌ویژه عرفای سترگ شیعی در طول تاریخ بهره‌گرفته که به منزله گامی است عملی در مسیر بهره‌برداری از داشته‌های

ارزشمند و گرانبهای دینی است.

به علاوه ساختار پژوهشی حاکم بر کتاب نیز موجب شده است به عنوان منبعی غنی از داده‌ها، مورد رجوع محققان این حوزه واقع شود یا دست کم با طرح فرضیه‌های خود در باب مبانی عرفان و حیانی، زمینه‌ساز طرح‌های پژوهشی تازه در این زمینه گردد.

از نویسندگان این کتاب به تازگی اثر دیگری به نام **عنوان مبانی و قواعد تفسیر عرفانی** نیز در باب شناخت مبانی تفسیر عرفانی (اعم از وجودشناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، زبان‌شناختی و غایت‌شناختی) و تبیین، تحلیل و تعلیل قواعد خاص تفسیر مزبور — ذیل مبحث — تأویل و وضع الفاظ برای ارواح معانی به همت انتشارات اندیشه معاصر چاپ و روانه بازار نشر شده است که ساختاری مشابه اثر مورد بررسی در نوشتار حاضر داشته و به ارائه محتوا در بستری پژوهش‌بنیان می‌پردازد.

علاقه‌مندان می‌توانند جهت تهیه کتاب مبانی عرفان و حیانی با شماره‌های ۸۸۵۰۳۳۴۱ و ۸۸۵۰۵۴۰۲ (انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) تماس حاصل فرمایند.